



The Conditions of a Leader and Ruler of Society in the Quran from the Perspective of Imam Khamenei*

Azizollah Sheikhzadeh*

Mahdi Taqipour*

Batoul Sadat Amini*

Abstract

The monotheistic-centered management within an Islamic society stands as one of the prerequisites for governing the community and forms the foundation of Islamic civilization. Without this crucial factor, success in constructing an Islamic society is unattainable. In the statements of the Supreme Leader, emphasis has been repeatedly placed on the existence of indicators such as moral and ideological integrity in leaders. Therefore, for the effective functioning within this type of managerial system, there is a need to train managers and rulers possessing desirable and suitable characteristics in line with Islamic society and governance. Hence, examining the conditions of a leader and ruler of the society in the Quran from the perspective of Imam Khamenei (May God protect him) holds significance and requires meticulous examination of credible religious sources. In this research, using a descriptive-analytical method and relying on the statements of the esteemed leadership in books, journals, the internet, etc., along with references to verses and narrations, we aim to identify ۲۸ components of the conditions of a leader and ruler of the society in the Quranic perspective of Imam Khamenei.

Keywords: Quranic Ideology, Imam Khamenei, Manager, Ruler, Leader, Society, Quran.

*. Date of Receipt: ۲/۷/۱۴۰۲ SH (September ۲۳, ۲۰۲۳ CE) & Date of Acceptance: ۲۸/۸/۱۴۰۲ SH (November ۱۸, ۲۰۲۳ CE)

*. Doctoral Researcher in Quran and Sciences (Management orientation), Al-Mustafa University, Institute of Higher Education in Quran and Hadith (Corresponding Author) - Email: Azizullahsh@gmail.com

*. Doctoral Researcher in Quran and Sciences (Management orientation), Al-Mustafa University, Institute of Higher Education in Quran and Hadith - Email: Mahditaghipor@gmail.com

*. Doctoral Researcher in Comparative Interpretation, Al-Mustafa University, Institute of Higher Education at Bint Al-Huda - Email: Batolsadatamini@gmail.com



شرایط مدیر و حاکم جامعه در قرآن از منظر امام خامنه‌ای*

عزیزالله شیخ زاده*، مهدی تقی پور* و بتول سادات امینی*

چکیده

مدیریت توحیدی در جامعه اسلامی یکی از ملزومات اداره جامعه و پایه ریز تمدن اسلامی است و بدون این عامل کلیدی موفقیت در امر ساخت جامعه اسلامی ناممکن است. در بیانات رهبر انقلاب بارها به وجود شاخصه‌هایی همچون سلامت اخلاقی و اعتقادی در مدیران تأکید گردیده است. لذا برای ایفای نقش در این نوع نظام مدیریت، نیازمند به تربیت مدیران و حاکمانی با خصوصیات و شرایطی مطلوب و متناسب با جامعه و حکومت اسلامی می‌باشد. لذا بررسی شرایط مدیر و حاکم جامعه در قرآن از منظر امام خامنه‌ای (دام ظلّه العالی) حائز اهمیت بوده و باید با دقت کافی از منابع معتبر دینی مورد مذاقه قرار گیرد. در این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری در کتب، مجلات، اینترنت و... همراه نمودن آیات و روایات در این خصوص، به ۲۸ مؤلفه‌های از شرایط مدیر و حاکم جامعه در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (دام ظلّه العالی) دست یابیم.

واژگان کلیدی: اندیشه قرآنی، امام خامنه‌ای، مدیر، حاکم، رهبر، جامعه، قرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۸/۲۸

* دانش پژوه دکتری، رشته قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی (ص)، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث (نویسنده

مسئول)، Azizullahsh@gmail.com

* دانش پژوه دکتری، رشته قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی (ص)، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث،

Mahditaghpor@gmail.com

* دانش پژوه دکتری، رشته تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی (ص)، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی،

(Batolsadatamini@gmail.com)



مقدمه

یکی از مسائل مهم جهان امروز تغییرات سریع دولت و فرایند حکمرانی و مدیریت (administration) در عصر جهانی شدن شتابان است. نقش سنتی و تاریخی حکومت و دولت، که تحت تأثیر جهانی شدن موجب تغییر عمده در ماهیت دولت‌ها می‌شد، تغییر یافته است. هم‌چنین، ماهیت در حال تغییر دولت ماهیت فرایندهای حکمرانی و مدیریت را در سراسر جهان عوض کرده است. نتیجه آن دگرگونی عظیم فرایندهای حکمرانی و اداره امور عمومی (administration public) و هم‌چنین پدید آمدن مؤسسات نهادی دولت‌ها در جهان معاصر است.

این همه دگرگونی دولت و مدیریت (administration and government of transformation) فرایندها، ساختارها، و ارزش‌های حکمرانی و اداره امور عمومی را در همه جا به چالش طلبیده است. نیاز به ظرفیت‌سازی، بهبود و نوآوری در خط‌مشی و مدیریت - در صورتی که دولت‌ها بخواهند با چالش‌های جهانی شدن مواجه شوند و آن را مهار کنند - از هر زمان دیگر ضروری‌تر به نظر می‌رسد. آنچه مورد نیاز است کاربرد مفهومی جدید است: یعنی «حکمرانی جامع». ما در مواجهه با چالش جهانی شدن و دیگر چالش‌ها و فشارهایی که استقلال و حق تعیین سرنوشت‌مان را تهدید می‌کنند باید به سنت اسلامی خودمان بازگردیم، زیرا آنچه تاکنون باعث پیروزی انقلاب و تداوم آن، با وجود مشکلات و تهدیدهای فراوان شده، باور به سنت‌ها و ارزش‌های اسلام ناب بوده است. (خاشعی، وحید و هرندی، عطاءالله، ۱۳۹۳: ۸۵-۱۱۰)

ضرورت و اهمیت موضوع

مدیریت انقلابی به عنوان دستاورد راهبردی نظام اسلامی که مبتنی بر مناسبات دینی و ولایتی است، مکتبی را در جهان مدیریت به وجود آورد که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است. در مجموع از بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) می‌توان به مؤلفه‌های مرتبط با مفهوم مدیر انقلابی دست یافت و این مهم سبب نهادینه شدن مدیریت انقلابی بر اساس دیدگاه



مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در بخش‌های مختلف می‌شود که هدف آن زمینه‌سازی تربیت مدیران انقلابی، شناسایی مضامین و مؤلفه‌های الگوی مفهومی مدیر تراز انقلاب است. این نوع از مدیریت باعث شد تا روش‌های عملی مدیران بار ارزشی گرفته و درک ضروریات دینی و شعور انقلابی موردنظر و عمل مدیران قرار گیرد (الوانی، ۱۳۷۷) درواقع به نظر می‌رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های، تعالی و شکوفایی انسان نگاه ارزش بنیان بر اساس آموزه‌های دینی، اسلامی و درنهایت انقلابی فراهم خواهد آورد (برنجی، ۱۳۷۷).

شیوه‌های مدیریت و رهبری تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه یا تمدن است. روشن است که اصول مدیریت حاکم بر جوامع را نمی‌توان مطلق پنداشت و یا کاربرد تمامی آن اصول را در جوامع مختلف مجاز دانست. اگرچه به‌کارگیری تئوری‌های غربی مدیریت که با آموزه‌های الهی تعارضی ندارند در جهت رفع نیازهای علمی کشور خالی از اشکال است، منتها اصل بر تدوین اصول مدیریت بر مبنای ارزش‌های الهی است که ما آن را علم مدیریت اسلامی می‌نامیم (تولایی، ۱۳۸۷). آنچه در بحث مدیریت اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر مدیریت در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی و مدیریتی است، یعنی اگر علم مدیریت برای داده‌های خود از احکام، راهکارها و ارزش‌های اسلامی بهره‌مند شود، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت (ابطحی، ۱۳۸۴).

تجربه تاریخی نشان داده است اندیشه‌های رهبران عالی هر کشور در تعیین سرنوشت کشورها اثر انکارناپذیری دارد. چشم‌اندازی که توسط رهبران برای آینده ترسیم می‌شود و ویژگی‌هایی که برای جامعه پیشرفته قائل هستند، مبنای سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی قرار می‌گیرد و ازاین‌رو تبیین دیدگاه‌های رهبران موضوعی بااهمیت است. (حاجی صادقی، ۱۳۸۸) پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، رهبری دینی توانست با ارائه گفتمان جدید اسلامی، با ارائه راهکارها برای حل بحران‌های جهانی و گرفتاری‌های دنیای معاصر، نظام سلطه جهانی را دچار چالش‌های اساسی کند (خورشیدی، ۱۳۹۲). چنان‌که مقام معظم رهبری



(مدظله‌العالی) نیز در راستای تداوم تفکر امام و حفظ ارزش‌های انقلاب می‌فرمایند: «در بخشی از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله برجسته شدن ارزش‌های انقلاب است. در این سال‌ها گفتمان انقلاب و ارزش‌های انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه می‌کردند و ما آن‌ها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: افتخار به انقلابی‌گری، گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهت‌گیری انقلابی، ارزش‌های انقلابی و مبانی انقلاب است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۹۱). جامعه اسلامی نیاز به نوعی از مدیریت دارد که با ارزش‌های انسانی و دینی و مبانی اخلاقی آن پیوستگی داشته و آرمان‌های اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهد (بیگی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

در این بخش پژوهش‌های مختلفی بررسی می‌شود که نشان می‌دهد که بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به عنوان مبنا در جهت تأیید و احصای شاخص‌های مفاهیم مرتبط با مدیریت و حکومت اسلامی مدنظر قرار گرفته است.

مکارم شیرازی عمده‌ترین وضعیت و صفات مشترک مدیران و فرماندهان از دیدگاه اسلام را در چهارده ویژگی زیر برمی‌شمارد: ایمان به هدف، علم، قدرت، امانت و درستکاری، صداقت و راستی، حُسن سابقه، وراثت صالحه، سعه‌صدر، دلسوزی و عشق به کار، تجربه و آزمودگی، شجاعت و قاطعیت، عدالت و دادگستری، پایگاه مردمی و پایبند بودن به اصول و ضوابط.

نتایج پژوهش میرسپاسی و دیگران (۱۳۹۲) با عنوان معرفی الگوی ارزشی سازمان‌های دولتی ایران نشان داد که مدل تعالی سازمانی در بخش دولتی دارای ۹۰ ارزش محوری بوده که در سه حوزه کرامت انسانی (ارباب رجوع محوری، عدالت محوری، پاسخگویی)، دانایی محوری (دانش محوری، چابکی سازمانی، مشارکت‌پذیری، نوآوری و خلاقیت) و چشم‌انداز محوری (رهبری، ثبات هدف و نتیجه محوری) دسته‌بندی شده است.



در پژوهشی که تحت عنوان طراحی مدل فرهنگ جهادی مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی توسط معدنی، حسین‌پور و یاری (۱۳۹۵) صورت پذیرفت سه فرهنگ جهادی با عناوین تعهد محور، فرهنگ دانش محور و فرهنگ راهبرد محور معرفی شد و در نهایت به این نتیجه رسیدند روحیه و فرهنگ جهادی که برخاسته از تفکر بومی ما در پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی ایفا می‌کند.

زین‌الدینی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان مدیریت و فرماندهی از دیدگاه حضرت امام خاتمه‌ای (مدظله‌العالی) به تجزیه و تحلیل گفتمان ایشان پرداخت و ابعاد آن را شامل باور به خدا، باور به خود، باور به کارکنان، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت و رهبری، هماهنگی و کنترل و نظارت معرفی کرد.

علیزاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان الگوی پاسداری از انقلاب در بیانات مقام معظم رهبری، پاسداری از انقلاب را به عنوان مقوله محوری و تحمل، استمرار و پایداری، حفظ آمادگی، آینده‌پژوهی و خودسازی را به عنوان راهبرد قرار داد.

محمدرضا مردانی و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان طراحی یک الگوی شایستگی‌های مدیران تزار انقلاب اسلامی در سازمان‌های فرهنگی در صداوسیما، ۴ بعد اثرگذار شامل شایستگی‌های عمومی مدیریت، شایستگی‌های عام مدیریت رسانه، شایستگی‌های مدیریت رسانه رادیو و تلویزیون و شایستگی‌های مدیریت انقلابی و ۵ بعد اثرپذیر بهبود عملکرد سازمانی، توسعه سازمانی، کارآفرینی سازمانی، رضایت شغلی و افزایش تعهد سازمانی را برشمرد.

رهبر معظم انقلاب مدیریت فعال، متدین، انقلابی و کارآمد را راه حل مشکلات کشور می‌دانند که واضح است پیش‌نیاز آن ارزش‌های الهی و اسلامی مشخص در تمام سطوح است. بنابراین توجه به فرهنگ و ارزش‌ها اهمیت بسیار دارد (رجایی‌پور و لافتی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی

الف) مدیر



برای مدیریت تعاریف متعدد و مختلفی بیان شده است که در زیر چند نمونه از این از تعاریف بیان می‌شود: هنر اداره مجموعه امکانات و استعدادها، مادی و معنوی در یک سازمان را، بر اساس آگاهی‌های مناسب، به خاطر بهتر رسیدن به هدف را مدیریت گویند. (تقوی دامغانی، ۱۳۶۸: ۱۸)

یکی دیگر از اندیشمندان در تعریف مدیریت می‌نویسد: مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. (رضائیان، ۱۳۹۱: ۴۷)

مدیریت در اسلام (که رهبری، حالتی خاص از آن است)، بر اساس طرح و برنامه‌ای سازگار با مبانی اسلام و به سوی اهداف اسلام پسند است که در رأس همه آن‌ها، قرب الهی قرار دارد و در این راستا، وسیله و کیفیت برخورد با افراد نیز باید مطابق موازین اسلامی باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۵)

با توجه به تعاریف مدیریت؛ مدیر، کسی است که سازمان را اداره و مدیریت می‌کند.

ب) حاکم

حاکم در لغت به معانی قاضی، داور، فرمانروا، اجراکننده حکم و متصدی اداره یک ایالت یا بخش از جانب حکومت است. (فیروزآبادی، ذیل واژه). حاکم در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که از سر قدرت انشای حکم می‌کند؛ یعنی حکم را در عالم اعتبار ایجاد می‌نماید.

در قرآن کریم واژه حاکم به صورت مفرد به کار نرفته، ولی به صورت جمع با تعبیر «حُکام» (ر.ک: بقره، ۱۸۸) و چندین بار نیز با تعبیر «خیرالحاکمین» و «احکم الحاکمین» در مورد خداوند ذکر شده است. به نظر مفسران، مفهوم این واژه در آیات مذکور، داور یا قاضی است. (ر.ک: طبرسی؛ قرطبی، طباطبائی، ذیل آیات مذکور)؛ در متون فقهی، مراد از واژه حاکم، برحسب مورد، قاضی، داور یا فرمانرواست. (قاسمی و لاریجانی، ۱۳۸۵: ۴۹ و ۵۳۵-۵۴۱)



با توجه به اینکه در بیانات رهبر انقلاب، حاکم به معنای حکمران و رهبر نیز آمده، لذا به تعریف رهبر نیز می‌پردازیم.

ج) رهبر

معادل واژه «رهبری» (Leadership) کلمه «امامت» (Imamat یا Imamate)، در متون لغوی و قرآن استعمال شده و در تعریف آن گفته‌اند: «الإمامه بالكسر: الرئاسة العامة على جميع الناس والخلافه و منصب الإمام» (الخدری الشرتونی، جزء الاول، ص ۱۹، ابن منظور، ج ۱، ص ۲۱۳، مجمع اللغة العربية، الجزء الأول، ص ۴۸۷، رئیس و همکاران، الجزء الاول، ص ۲۷ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۵)؛ امامت (با همزه مکسوره) ریاست عامه بر مسلمین یا بر جمیع مردم، خلافت و منصب امام است. در فرهنگ‌نامه‌های فارسی واژه «رهبری» به معانی: «راهنمایی، راهبری، دلالت، هدایت، و راه نشان‌دهنده دیگران» (دانشگر، ۱۳۸۱، ص ۳۵۶، عمید، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۷۷ و دهخدا، ۱۳۴۷، ج ۸، ص ۱۱۸۲۶ و ۱۲۴۳۷) گفته شده است.

در اصطلاح علوم اجتماعی برای واژه «رهبری» تعاریف متعددی ارائه شده است که علی‌رغم توسعه دامنه‌ای رهبری در علوم، فنون و زمینه‌های مختلف، دارای مفهوم مشترک است، مثلاً رهبری سازمان یک اصطلاح در علم مدیریت، رهبری سیاسی یک اصطلاح در علوم سیاسی و... می‌باشد. تمام تعاریف اصطلاحی را می‌توان چنین خلاصه کرد: «رهبری؛ قدرت تأثیرگذاری بر پیروان به نحوی که بر اساس میل و خواسته خود جهت تحقق اهداف در موقعیت‌های گوناگون حرکت کنند و رهبر کسی است که بتواند با این شیوه افراد را به کار گیرد» (نبوی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲) و نیز: «رهبری؛ توانایی هدایت و ترغیب دیگران به کوشش مشتاقانه در جهت کسب اهداف مشترک و گروهی و فرایند هدایت و اعمال نفوذ بر فعالیت‌های گروه، اعضای سازمان یا جامعه است» (حسین‌اف، ۱۳۸۶، ص ۳)

به عبارت دیگر رهبری، مدیریت و فرماندهی واژه‌هایی است که گاهی از نظر مفهومی به هم خیلی نزدیک است تا جایی که مقام معظم رهبری جوهره فرماندهی و مدیریت را رهبری می‌-



دانند. از این رو فرماندهان و مدیرانی را موفق می‌دانند که در قلب مخاطبان نفوذ کرده باشند (امام خامنه‌ای در جمع فرماندهان سپاه، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲)

(د) جامعه

واژه جامعه از نظر لغوی اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» و به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده است. (لغت‌نامه، ج ۵، ص ۶۴۸۹، «جامعه»); مفهوم «جمع» به معنای گردآوری و فراهم کردن را در آیات زیادی می‌توان دید؛ مانند «وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (قیامت/ ۹)، «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ» (تغابن/ ۹) و «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامت/ ۱۷); این واژه در زبان عربی قدیم صرفاً کاربردی لغوی داشته، به معنای اصطلاحی و رایج آن ارتباطی ندارد. در قرآن نیز واژه جامعه و هم‌خانواده‌های آن به مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیامده است.

اصطلاح جامعه در میان دانشمندان اجتماعی از پرابهام‌ترین و کلی‌ترین واژگان است. ابهام مزبور تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»؛ «امت» و مفاهیمی دیگر و حتی با اصطلاح تمدن به معنای «مجموعه‌ای گسترش‌یافته در دوره‌ای قابل ملاحظه از زمان» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی آن را صرفاً بر اجتماعات بزرگ اطلاق کرده‌اند و جوامع کوچک‌تر را که به مرحله مدنیت نرسیده‌اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده‌اند، بنابراین دستیابی به تعریفی روشن و جامع و مانع، دشوار می‌نماید و به‌رغم کاربردهای فراوانش این مفهوم هنوز تعریفی مورد اتفاق نیافته است. (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۷۴۵)

با توجه به تعاریف و ویژگی‌هایی که برای جامعه شمرده می‌شود، ساخت‌ها و واژگان اجتماعی دیگری را می‌توان در آیات متعددی باز یافت که زیرمجموعه این مفهوم هستند و بر وجود، ویژگی‌ها و سنت‌های موجود آن دلالت دارند؛ مانند فئه، قرن، قریه، شعوب، رهط، امت، قوم، حزب، طایفه، قبیله، معشر، مدینه و آیات مربوط به خانواده و ساکنان یک سرزمین



وسیع و افراد پیرامونی یک دین، بنابراین مفهوم جامعه از دیدگاه قرآن، تشکیکی و دارای مراتب است.

جامعه مجموعه‌ای از انسان‌هاست که عقیده و آرمان و نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه، زندگی انسانی آنان را به یکدیگر پیوند داده است. امام خمینی سرشت انسان را علت تشکیل جامعه و همکاری انسان‌ها با یکدیگر را باعث آسایش زندگی آنان دانسته و زندگی انفرادی را به منزله خروج انسان از جامعه بشری و پیوستن به حیوانات وحشی شمرده است. (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۶)؛ ایشان افراد جامعه را به قطره‌ای باران و جامعه را به نهرها و سیل و دریا تشبیه کرده که در صورت اجتماع کارسازند و تا اجتماعی نباشد از قطره‌ها کاری ساخته نیست. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۳۰-۲۳۱)

اصول حاکم در حکمرانی اسلامی

اصل اول: حاکمیت مطلق خداوند بر عالم تشریع و تکوین

در بعثت همه پیامبران اهدافی وجود داشته است -اهداف الهی- که طبعاً هدف خود پیغمبر هم، به تبع تبعیت از پروردگار، همان هدف خواهد بود. پس بعثت‌ها هدف‌های بزرگی دارند که رأس همه این هدف‌ها عبارت است از توحید؛ توحید، هدف بزرگ بعثت است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ (نحل/ ۳۶) توحید خالص، توحید محض؛ که این آیه شریفه در سوره نحل است. در سوره اعراف و همچنین در سوره هود [هم] از زبان چندین پیغمبر بزرگ مثل نوح، مثل هود، مثل صالح و دیگران این جور گفته می‌شود که «يَقُومُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ». (اعراف/ ۵۹/ هود/ ۵۰) این توحید، اولین هدف بعثت پیامبران است. البته می‌دانید که توحید هم فقط به معنای این نیست که انسان در ذهن خود عقیده پیدا کند که خدا یکی است و دو تا نیست؛ خب بله این هم هست لکن توحید به یک معنای مهمی است که به معنای حاکمیت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین -هر دو- است که بایستی امر الهی نافذ دانسته بشود؛ هم در عالم تکوین -در همه حوادث وجود، «لا حول ولا قوة الا بالله»- و هم در عالم تشریع،



همه این حوادث و همه حالات ناشی از قدرت واحد پروردگار است. خب این، هدف اصلی است. ۲۱/۱۲/۱۳۹۹

اصل دوم: تشکیل نظام سیاسی، لازمه تحقق اهداف بعثت انبیاء

پس با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید - حالا اینکه کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید - که بتواند این اهداف را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می‌کند، که می‌فرماید: **فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ**؛ (بقره/ ۲۱۳) «لِيَحْكُمَ» یعنی «لِيَحْكُمَ» کتاب؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه تنظیم‌های اجتماعی. این در سوره بقره است، در سوره مائده [می‌فرماید]: **وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ** بما أنزل الله فيه؛ (مائده/ ۴۷) انجیل حاکم است؛ یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته می‌شود برای اهل انجیل؛ و همچنین در [مورد] پیغمبران دیگر که در آیات «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده/ ۴۴) و «أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده/ ۴۵) و «أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده/ ۴۷) هست، در همه این‌ها آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته می‌شود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه برنامه‌های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود.

خب این، دستور حکمرانی است لکن این دستور حکمرانی را چه کسی عمل بکند؟ بدون وجود یک مدیریت و یک فرماندهی که این دستور عملیاتی نخواهد شد؛ پس یک مدیریتی لازم است و این مدیریت و این راهبری اساسی مربوط به خود شخص پیغمبر است؛ یعنی پیغمبر



اکرم و همه پیغمبران - نبی مکرم اسلام و قبل از او پیامبران دیگر - مدیران و فرماندهانی هستند که موظفند حکمرانی دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه می‌شود، اجرا کنند و این را تحقق ببخشند.

البته این راهبری و فرماندهی یک جور نیست؛ در بعضی از موارد خود پیغمبر، شخص شخیص پیغمبر، متکفل و متعهد این فرماندهی است؛ مثل حضرت داوود، حضرت سلیمان، پیغمبر معظم اسلام - که خود این‌ها در رأس حکومت قرار گرفتند و اجرای امور را خودشان متکفل شدند - گاهی هم در مواردی پیغمبر حاکمی را معین می‌کند به امر الهی؛ مثل آن پیغمبری که این هم در قرآن در سوره بقره است که «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ اَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (بقره/۲۴۶) مردم که زیر فشار بودند و مشکلات داشتند، به پیغمبر مراجعه کردند که او برایشان یک حکمرانی را انتخاب کند و او هم حکمران را انتخاب کرد؛ «قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا» (بقره/۲۴۷) طالوت شد فرمانده. بنابراین پیغمبر راهبر است و فرمانده اصلی و گرداننده اصلی است لکن اجرای کار به دست یک کس دیگری است غیر از آن پیغمبر، که در این مثال طالوت است و امثال آن هم قطعاً در تاریخ نبوت‌ها کم نیست و زیاد هست. یک وقت دیگر هم این جور است که پیغمبر کسی را معین نمی‌کند لکن خود او دارای موقعیتی است در دستگاه حکومت که امر او نافذ است؛ مثل حضرت یوسف که امر او هم در دستگاه آن حکومت - که آن حکومت هم به تدریج گرایش به دین حضرت یوسف پیدا کرد - نافذ بود و کارها را انجام می‌داد، در حالی که حاکم مطلق هم نبود. ۲۱/۱۲/۱۳۹۹

اصل سوم: حکومت هم حق است و هم تکلیف

مسئله بعدی که در نهج البلاغه باز بسیار حائز اهمیت است این مسئله است که آیا حکومت يك حق است یا يك تکلیف؟ و امیرالمؤمنین به طور خلاصه و مجمل حکومت را هم يك حق می‌داند هم يك تکلیف. این جور نیست که هرکسی که برایش شرایط تولیت امور مردم فراهم شد و توانست به نحوی با کسب وجاهت، با تبلیغ، با کارها و شیوه‌هایی که معمولاً طالبان قدرت خوب بلدند آن شیوه‌ها را انجام بدهند، به هر نحوی توانست نظر مردم را جلب کند، این بتواند



حکومت کند. حق متعلق به کسان معینی است، این به معنای این نیست که يك طبقه، طبقه ممتازند. در جامعه اسلامی همه فرصت و میدان دارند که خود را به آن زیورها بیارایند؛ همه می‌توانند آن شرایط را برای خود کسب کنند. البته در دوران بعد از پیامبر اکرم يك فصل استثنائی وجود دارد، اما نهج البلاغه بیان خودش را به صورت عامی ارائه می‌دهد و به این حق بارها و بارها اشاره می‌کند. در اوائل خلافت در خطبه معروف شششقیه «انّ محلی منها محل القطب من الریح ینحدر عنی السیل و لا یرقی الی الطیر» (نهج البلاغه، خطبه ۳) جایگاه من در خلافت جایگاه میله گرداننده سنگ آسیاب است. در هنگامی که جمع شدند شورای شش نفری با عثمان بیعت کردند «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیري» یعنی ای مردم! یا ای مخاطبان من، خود شما می‌دانید که من از همه کس به حکومت و خلافت اولی‌ترم. يك حق معتقد است؛ این چیزی است که در نهج البلاغه واضح است. البته دنبالش بلافاصله «و واللّٰه لاسلمنّ ما سلمت امور المسلمین و لم یکن فیها جورٌ الاّ علی خاصه» (نهج البلاغه، خطبه ۷۴) مادامی که فقط به من ظلم می‌رود من صبر می‌کنم، تسلیم، مادامی که کارها بر محور خود انجام بگیرد من در خدمتم، عین همان بیانی که در آغاز خلافت ابی‌بکر هم، یعنی نسبت به آن دوران هم ایشان بیان فرمودند. «فامسکُ یدی حتی رأیتُ راجعَةً الناس قد رجعت» (نهج البلاغه، نامه ۶۲) اول دست از بیعت شستم، تسلیم نشدم، بیعت نکردم، اما دیدم حوادثی دارد به وقوع می‌پیوندد که مصیبت آن حوادث برای اسلام و برای مسلمین و برای شخص علی صعبتر و غیرقابل تحملتر است از مصیبت از دست رفتن حق ولایت؛ بنابراین ولایت را يك حق می‌داند و این جای انکار نیست. خوب است همه مسلمان‌ها به این مسئله با چشم واقع‌بینی نگاه کنند؛ این کاری به بحث غوغایی و جدال‌انگیز شیعه و سنی ندارد. ما امروز معتقدیم که در آفاق عالم اسلامی باید برادران شیعه و سنی با هم و برای هم و در جوی مهربان زندگی کنند و اخوت اسلامی را از همه چیزها بالاتر بدانند، و این يك حقیقت است. امروز وظیفه همین است، همیشه وظیفه همین بوده، اما يك بحث علمی و اعتقادی در نهج البلاغه این را به ما نشان می‌دهد. ما نمی‌توانیم چشمان را روی هم بگذاریم و آنچه را که نهج البلاغه با صراحت دارد



می‌گوید این را ندیده بگیریم. امیرالمؤمنین حکومت را يك حق می‌داند، همچنانی که يك وظیفه نیز می‌داند. یعنی آن روزی که اطراف علی را می‌گیرند «فما راعنی الآ و الناس کعرف الضیع الی ینثالون علی من کل جانب حتی و طيء الحسان و شق عطفای» مردم آن چنان انبوه بر من گرد آمدند که فرزندان مرا در زیر پاهای خود لگدمال کردند. مردم مشتاقانه، نیازمندانه، از علی می‌خواهند که به نیاز آن‌ها پاسخ بگوید، امیرالمؤمنین برای حکومت يك شأن واقعی قائل نیست، حکومت برای علی يك هدف نیست همچنانی که در بحث بعدی باید روشن بشود، اما با این حال حکومت را می‌پذیرد به عنوان يك وظیفه، و می‌ایستد و از آن دفاع می‌کند. «فلو لا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود ناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم لالقیئت حبلها علی غاربها و لسقیئت آخرها بکأس اولها و لالفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفه عز» (نهج البلاغه/خطبه ۳) باز هم برای من حکومت ارزشی ندارد، باز هم حاضر نیستم برای به دست آوردن يك مقام، يك جاه از ارزش‌ها بگذرم. باز هم حاضرم با همان جام نخستین این جمع را سیراب کنم، همچنانی که روز اول کنار نشستم باز هم کنار بنشینم. مؤکداً می‌گوید «دعونی و التسموا غیری» (نهج البلاغه/خطبه ۹۲) مرا بگذارید به سراغ دیگران بروید، اما وقتی احساس می‌کند که وظیفه است، احساس می‌کند زمینه آماده است و او می‌تواند این نقش عظیم و اساسی را بر عهده بگیرد، آن وقت قبول می‌کند. (۱۳۶۰/۰۲/۲۹)

ویژگی‌های مدیر و رهبر در بیانات امام خامنه‌ای

الف) مهارت مدیریتی

۱- تدبیر:

انسان‌های دارای خرد و تدبیر، مشکلات را به خاطر رسیدن به عزت و شرف انسانی و کرامت انسانی و تقرب الی الله تحمل می‌کنند؛ انسان‌هایی که بی‌خردند همین مشکلات در زندگی آن‌ها هست، آن‌ها را با ذلت تحمل می‌کنند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول کنند. ولایت شیاطین را قبول می‌کنند: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا - كَلَّا سَيَكْفُرُونَ



بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (مریم/ ۸۱ و ۸۲) (بانکی پورفرد، امیرحسین؛ رفیعی، محمدتقی، ۱۳۹۳، عیار مدیران، نشر حدیث راه عشق، ۱۰)

۲- استدلال و منطق:

مدیری که پشت‌کارش استدلال است، جرأت دارد؛ اما آن مدیری که استدلال ندارد، خودش جرأت ندارد. کارش «یَقْدَمُ رَجُلًا وَيُؤَخِّرُ آخَرًا» است؛ یک قدم جلو، یک قدم عقب؛ آخر هم کار را ضایع و خراب می‌کند. پاسخگو بودن به این معناست. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵) (همان، ۲۵)

۳- علم:

به برکت انقلاب در این کشور، حکومت‌هایی سر کار می‌آیند که ملاک مسئولان حکومت-ها، علم، تقوا، عدالت، مردم‌دوستی و گزینش مردم است. (بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲)

۴- شناخت موقعیت‌ها و شرایط (فرد و محیط):

راهبردهای عمومی و کلی را بایستی شناخت، تکیه‌ی بر اسلامیت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون؛ اینکه فرمود: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)، این یک وظیفه است. (بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴) (همان، ۳۸)

۵- هوشیاری و دشمن‌شناسی:

برادران شاغل... باید سر پست خودشان، بیدار و هوشیار و دارای احساس مسئولیت باشند. فقط خودتان را هم نمی‌گوییم: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» (تحریم/ ۶)؛ هم خودتان، هم زیردست‌هایتان. (بیانات در دیدار با مدیران و مسئولان استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲) (همان، ۴۹)



۶- تلاش:

اگر مشاهده می‌کنید که ملت‌هایی پیشرفته‌ای علمی و فناوریانه پیدا کرده‌اند....، تابع تلاش است. این یکی از اصول اسلامی است که «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْهُورًا» (اسراء/ ۱۸)؛ برای کسانی که دنبال ارزش‌ها هستند هم همین‌طور است. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸) (همان، ۷۴)

۷- احساس مسئولیت:

انسانی که وارد این عرصه می‌شود، مسئولیتی را قبول می‌کند که این مسئولیت یک مسئولیت خدایی و یک مسئولیت عمیق است. به معنای حقیقی کلمه مسئولیت است؛ یعنی «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکاثر/ ۸): از شما سؤال می‌شود. (بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱)

۸- سلامت:

گاهی لغزش‌های کوچک، انسان را به لغزش‌های بزرگ و بزرگ‌تر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره‌هایی منهی می‌کنند؛ خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم/ ۱۰)؛ عاقبت بعضی از این کارها این است که انسان به آن خانه‌ی بدترین می‌رسد که تکذیب آیات الهی است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰) (همان، ۱۲۹)

۹- قانون:

راه هزینه درست نکردن [برای کشور]، التزام به قانون است. این توصیه‌ی من به شما مسئولان محترم انتخابات هم هست؛ قانون را معیار قرار دهید. در آیه‌ی کریمه‌ی قرآن به ادای امانت اشاره شد- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء/ ۵۸)- ادای امانت به همین است که طبق مَرّ قانون عمل شود. (بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶) (همان، ۱۳۴ و ۱۳۵)



۱۰- انتقادپذیری:

همه مشمول این قاعده‌ی کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخگویی. این، معنای حقیقی اصلاح نظام موردنظر اسلام است، که «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحُ مَا اسْتَطَعْتُ» (هود/ ۸۸)؛ پیغمبران این را می‌فرمودند. همه کار پیغمبران عبرت بود از این که تا می‌توانند اصلاح کنند؛ یعنی فساد را در کشور از بین ببرند. (بیانات در دیدار با زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۳/۰۱/۰۲)

۱۱- خوش‌رویی و کظم غیظ و مشورت در مدیریت

خداوند متعال در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران خطاب به رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوش‌خوی و مهربان هستی اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند پس بر آنها ببخشای و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بحث خوش‌رویی و کظم غیظ و مشورت در مدیریت چنین می‌فرماید: اگر نمی‌توانیم کاری برایش انجام دهیم، لااقل گشاده‌رو باشیم و با خنده و تبسم و ملاطفت و با تبیین با او برخورد کنیم. اگر مشکلی حل نمی‌شود، لااقل دلیل آن را برایش تبیین کنید. برای این کار، آدم داشته باشید. ممکن است بگویید من خودم نمی‌رسم؛ اما شما باید آدم توجیه‌گر و تبیین‌کننده برای مراجع داشته باشید. (بیانات در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر؛ ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)

۱۲- عدم اعتماد صددرصدی به گزارش‌ها

قرآن کریم در سوره حجرات (آیه ۶) می‌فرماید: یا ایها الذین امنوا ان جاءکم فاسق بنباء فتنبوا عن تصیو قوما بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد، برای درستی آن تحقیق و بررسی کنید که مبدا [به سبب خبر



فاسق، [به کسی یا گروهی : آزار برسانید و بعد به خاطر کاری که انجام دادید، سخت پشیمان شوید.

مقام معظم رهبری این مسئله را چنین تبیین می‌کنند: از مجموعه مدیران ارشدتان گزارش بخواهید و به گزارش‌ها صددردصدی اعتماد نکنید. لازم نیست ابراز بی‌اعتمادی کنید؛ اما در دلتان جایی برای بی‌اعتمادی بگذارید؛ چون بازهم تجربه ما می‌گوید که بسیاری از گزارش‌ها با واقعیت تطبیق نمی‌کند. آن مدیر بیچاره نمی‌داند؛ یک نفر آمده کاری کرده و کاغذی را روی میز لغزانده؛ او هم برداشته تحویل شما داده و شده گزارش مستند؛ در حالی که دستگاه بازرسی شما باید همیشه مراقب باشد. دستگاه بازرسی را از نزدیک‌ترین‌ها انتخاب کنید. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۷۰/۰۶/۰۳)

ب) خصوصیات انقلابی

۱- پابند به ارزش‌ها و شعارهای انقلابی:

بر طبق سنت الهی حرکت نکنیم، دچار مشکل می‌شویم، این جور نیست که در جنگ بدر بگویند: «يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا» (آل عمران/ ۱۵۴)؛ این جوری نیست که اگر چنانچه تسلیم شدیم در مقابل دشمن، مشکلات برداشته می‌شود. (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

۲- بصیرت:

اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آن وقت عزم و اراده هم به خرج بدهد و نشان بدهد، آسان پیموده خواهد شد؛ نصرت الهی یعنی همین؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/ ۷)؛ نصرت خدا یعنی راه خدا را شناختن و پیدا کردن. (بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۴/۰۳/۰۲) (همان، ۱۹۴)



۳- اعتماد به صدق وعده الهی:

اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مومنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: «وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» (توبه/ ۶۸)؛ آن کسانی که «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح/ ۶). باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. (مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴)

۴- صبر و استقامت:

شماها مسئولان کشور هستید در بخش‌های مختلف؛ کارهای زیادی بر عهده‌ی شما است؛ هم کار دنیا و هم کار آخرت؛ این عمل احتیاج دارد به دو عنصر: صبر و توکل. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (عنکبوت/ ۵۸ و ۵۹)؛ صبر یعنی پافشاری، پایداری، مقاومت، ایستادگی، هدف را فراموش نکردن. (دیدار مسئولان نظام، ۳۰/۰۴/۱۳۹۲)

۵- وحدت و انسجام ملی:

ممکن است سلاقی و مذاق‌ها، اختلاف داشته باشد. مسئله مذاق و سلیقه، غیر از دل و جهت و راه و جهت‌گیری کلی است. در این جهت‌گیری کلی «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳) اعتصام به حبل‌الله، باید با اجتماع باشد، باید با هم اعتصام کنند. (دیدار کارگزاران نظام، ۲۷/۱۰/۱۳۷۷)

۶- برائت از مخالفان نظام:

اعتقاد ما پابندی به اصول و بمانی است. یکی از اصول: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/ ۲۹) است. ما با دشمنان، با استکبار سر آشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم؛ چون معتقدیم باید «)) بود؛ این خط



مسلم جمهوری اسلامی است. (بیانات در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع) و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶)

۷- عدالت:

پیشرفت به همان معنایی که امروز در ادبیات غرب به عنوان توسعه یاد می‌شود، قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد. خب، در قرآن هم شما ملاحظه می‌کنید؛ همه‌ی ارسال رسل و انزال کتب و مانند این‌ها «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) است؛ برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در پنجمین روز از هفته دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

۸- ساده‌زیستی:

امام خمینی (ره) به مسئولان کشور هشدار می‌داد در باره‌ی خوی کاخ‌نشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: «وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (ابراہیم/۴۵) و همه را از خوی کاخ‌نشینی بر حذر می‌داشت. چطور می‌توانیم اگر خودمان اهل اسراف باشیم، به مردم بگوئیم اسراف نکنید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره/۴۴). اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند. (بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲) (همان، ۳۳۶)

ج) ویژگی‌های معنوی و اخلاقی

۱- ایمان:

دل‌های مسلمانان به‌طور قهری به آنجایی متوجه خواهد شد که حقیقتاً اسلام حاکم است و ملاک‌ها و معیارها از اسلام گرفته شده و ملاک حاکمیت و مدیریت و مسئولیت، مسلمان بودن است و این آیه‌ی شریفه که: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج/۴۱) صادق است. مردم دنیا، این را می‌بینند و دل‌هایشان متوجه ایران اسلامی خواهد شد. (بیانات در دیدار با میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۸/۰۷/۲۴)



۲- اخلاص:

اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال/ ۲۹)؛ این اگر شد، توهم غلط انهمام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. (بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۹/۲۴)

۳- توکل:

وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده می‌دهد که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، ۷)، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج/ ۴۰)، وقتی این‌جور خدای متعال با صراحت، با تأکید به ما عده می‌دهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید اعتماد داشته باشیم. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در پنجمین روز از هفته دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

۴- تقوا:

حضرت ابراهیم (ع) فرمود: اولاد و ذریه‌ی من هم در امامت نصیبی دارند؟ خداوند نفرمود دارند یا ندارند؛ بحث ذریه نیست؛ ضابطه داد: «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/ ۱۲۴)؛ فرمان و دستور و حکم امامت از سوی من به ستمگران و ظالمان نمی‌رسد؛ باید عادل باشد. (بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶)

۵- فداکاری:

در باره‌ی جهاد امیرالمؤمنین، خدای متعال: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره/ ۲۰۷)، آیه نازل شده است در مورد مجاهدت امیرالمؤمنین و ایثار امیرالمؤمنین؛ در باره‌ی کس دیگری این آیه نازل نشده است. (دیدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۸۸/۰۹/۱۵) (همان، ۴۸۶)



۶- زهد و دوری از دنیا:

دنبال تمتعات دنیوی نباشیم، دنبال پرداختن به اشرافی‌گری و تجملات نباشیم. ما مسئولین، خودمان را حفظ کنیم. اگر دچار اشتباه شویم، مصداق همان آیه‌ی شریفه خواهیم شد که: «وَأَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ؛ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَبِئْسَ الْقَرَارُ» (ابراهیم/ ۲۸ و ۲۹). (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴)

۷- دوری از غرور:

تواضع و نغلطیدن در گرداب غرور هم یکی از شاخصه‌هایی است که لازمه‌ی اصول‌گرایی است. ما خودمان باید مواظب باشیم حرف‌هایی که در تمجید و ستایش ما می‌زنند، این‌ها را باور نکنیم. ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامه/ ۱۴)؛ نقص‌ها، مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

۸- سعه صدر

آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره طه حضرت موسی (علیه‌السلام) از خداوند متعال چنین درخواست می‌کنند: و «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»؛ و (موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان! و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند!

در آیه حضرت موسی (علیه‌السلام) از خداوند متعال برای حسن انجام چنین مسئولیت بزرگی، شرح صدر، داشتن حلم، داشتن حوصله، داشتن ظرفیت، می‌خواهد. داشتن حوصله و ظرفیت یکی از فن‌های کلیدی مدیریت است که این موضوع به تفصیل توسط مقام معظم رهبری تشریح شده است: باید جوری باشد که مسئولین دولتی انتقادپذیری را در نفس خودشان پذیرا باشند. البته این کار، سخت هم هست، اما باید با سعه صدر برخورد کرد، که: «آلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ». البته ریاست به معنای آن بالانشینی‌ها نیست. اگر بخواهید مدیریت کنید، ناچارید سعه صدر داشته باشید و یک چیزهایی را تحمل کنید. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۹/۰۶/۰۸)



نتیجه

آن چیزی که پرواضح است، لزوم مدیریت در تمامی عرصه‌های زندگی بشری است، اما همواره باید به این نکته توجه داشت که حاکم و مدیر - که وظیفه رهبری و هدایت سازمان و جامعه را به عهده دارد - چه شرایطی باید داشته باشد. با توجه به اینکه نظام اسلامی و انقلابی، به مدیر و حاکم اسلامی و انقلابی نیاز دارد؛ با بررسی و فحص در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و پژوهشی‌هایی که در این زمینه صورت گرفته بود؛ به مؤلفه‌هایی درست یافتیم که در بیانات رهبر معظم انقلاب به کرات آمده و در دیدارهای مختلف به دولتمردان و مسئولان، خاطرنشان شده بود.

این مؤلفه‌ها در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند، عبارتند از:

الف) مهارت مدیریتی: تدبیر، استدلال و منطق، علم، شناخت موقعیت‌ها و شرایط (فرد و محیط)، هوشیاری و دشمن‌شناسی، تلاش، احساس مسئولیت، سلامت، قانون، انتقادپذیری، خوش‌رویی و کظم غیظ و مشورت در مدیریت، عدم اعتماد صددرصدی به گزارش‌ها؛

ب) خصوصیات انقلابی: پایبند به ارزش‌ها و شعارهای انقلابی، بصیرت، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، صبر و استقامت، وحدت و انسجام ملی، برائت از مخالفان نظام، عدالت، ساده‌زیستی؛

ج) ویژگی‌های معنوی و اخلاقی: ایمان، اخلاص، توکل، تقوا، فداکاری، زهد و دوری از دنیا، دوری از غرور، سعه صدر؛

با توجه به اینکه می‌توان مؤلفه‌های دیگری نیز از بیانات امام خامنه‌ای کشف نمود؛ لیکن فقط به مؤلفه‌هایی اشاره شد که پرتکرار و با پشتوانه آیتی از قرآن کریم در بیانات معظم له، آمده است.



منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. الوانی، سید مهدی، (۱۳۷۷)، ضرورت تدوین منشور اخلاقیات سازمانی و ارائه‌ی یک الگوی تطبیقی در مدیریت دولتی، تحول اداری، شماره ۱۹.
۲. امیدی، علی؛ یوسف‌وند، سعید (۱۴۰۱)، ارائه الگوی مدیریتی انقلابی در تراز جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و پنجم، شماره ۹۵، تابستان.
۳. بانکی پورفرد، امیرحسین؛ رفیعی، محمدتقی (۱۳۹۳)، عیار مدیران، نشر حدیث راه عشق.
۴. برنجی. محمدرضا (۱۹۹۶)، اصول مدیریت. چهارمین همایش مدیریت اسلامی، ایران (MPO).
۵. بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ سرداری، احمد؛ عاشوری‌زاده، علیرضا (۱۳۹۲)، رابطه ارزش‌های فردی و سازمانی با تعهد سازمانی کارکنان شرکت آلومینیم المهدی استان هرمزگان، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان.
۶. تقوی دامغانی، سیدرضا (۱۳۶۸ش)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۷. تولایی، روح‌الله (۱۳۸۶)، الگویی برای شناخت مدیریت اسلامی، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۱، خرداد و تیر.
۸. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۹۰)، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، قم: زمزم هدایت.
۹. خاشعی، وحید؛ هرندی، عطاءالله (۱۳۹۳)، مقاله تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا، مجله پژوهش‌های



علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۸۵-۱۱۰

۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۱. ----- (۱۳۸۹)، صحیفه امام، ج ۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۲. خورشیدی، عباس (۱۳۸۸)، مدیریت و رهبری آموزشی، نشر یسپرون. چاپ دوم.
۱۳. رجایی پور؛ لافتی، سمیرا، بررسی رابطه فرهنگ سازمانی با مؤلفه‌های مدیریت بر اساس ارزش‌های سازمانی و ارائه مدلی برای پیش‌بینی مدیریت بر اساس ارزش‌ها (مطالعه‌ی موردی: سازمان آموزش و پرورش شهرستان آباده)، فصلنامه‌ی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی / سال اول، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۸۹.

۱۴. رضائیان، علی (۱۳۸۷)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، چاپ دوازدهم.
۱۵. سواری؛ محمدجواد، توانا؛ حمید، ابری؛ محمدجواد (۱۳۹۹)، ویژگی‌های حکمران تزار دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران.

۱۶. فخرایی، میلاد؛ احمدی، کیومرث؛ احمدی، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، مقاله‌شناسایی مؤلفه‌های مدیران انقلابی در سازمان از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجله مدیریت فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۴۸، تابستان.

۱۷. فخرایی، میلاد؛ احمدی، کیومرث؛ احمدی، علی‌اکبر؛ زندی، فرزاد (۱۳۹۸)، عوامل موجد مدیریت انقلابی در سازمان از دیدگاه مقام معظم رهبری T فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»، سال نهم: شماره ۳۱، تابستان.

۱۸. قاسمی، محمدعلی؛ لاریجانی، صادق (۱۳۸۵)، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.
۲۰. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۴)، درآمدی بر روش‌شناسی مدیریت اسلامی، حوزه و دانشگاه زمستان، شماره ۴۵.
۲۱. مظاهری، علیرضا (۱۳۹۴)، بررسی ابعاد مدیریت اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم اجتماعی.
۲۲. حسین‌اف، صفرمراد (۱۳۸۶)، اصول مدیریت از دیدگاه قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲۳. نبوی، محمدحسن (۱۳۷۳)، مدیریت اسلامی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، چاپ یازدهم.



Bibliography:

- *Quran – e – Karim (The Holy Quran)*
- *Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence)*
- ۱. Alvani, Sayyed Mehdi (۱۳۷۷ SH) ۱۹۹۸ CE, “Zarurat-e Tadvin-e Manship-e Akhlaghiyat-e Sazmani va Eraye-ye Yak Alaghu-e Tatbighi dar Modiriat-e Daulati (The Necessity of Formulating Organizational Ethics Charter and Presenting an Applicable Model in Government Management),” Tahavvol-e Edari, Number ۱۹.
- ۲. Amodi, Ali; Yousufvand, Saeed (۱۴۰۱ SH) ۲۰۲۲ CE, “Eraeh-e Alghooy-e Modiriyati Enghelabi dar Taraz-e Jame'e Islami az Didegah-e Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari (Madzaleh-ul-A'la) (Presenting a Revolutionary Management Model in the Structure of Islamic Society from the Perspective of the Supreme Leader (May His Eminence Endure)),” Basij Strategic Studies, Year ۲۰, Number ۹۰, Summer.
- ۳. Banki Poor Fard, Amir Hossein; Rafiei, Mohammad Taqi (۱۳۹۳ SH) ۲۰۱۴ CE, “Ayar-e Modirane (The Measure of Managers),” Hadees-e Rah-e Eshq Publication.
- ۴. Berenji, Mohammad Reza (۱۳۹۶ SH) ۲۰۱۷ CE, “Usoul-e Modiriyat (Principles of Management),” ۴th Islamic Management Conference, Iran (MPO).
- ۵. Bigi-Nia, Abdolreza; Sardari, Ahmad; Ashoori-Zadeh, Alireza (۱۳۹۲ SH) ۲۰۱۳ CE, “Ravabet-e Arzeshaye Fardi va Sazmani ba Tahod-e Sazmani-e Karkonan-e Sherkat-e Aluminum Al-Mahdi-e Ostane Hormozgan (The Relationship between Personal and Organizational Values with Organizational Commitment of Al-Mahdi Aluminum Company Employees in Hormozgan Province),” Management Research in Iran, Volume ۱۷, Number ۲, Summer.
- ۶. Fakhraei, Milad; Ahmadi, Keyumars; Ahmadi, Ali Akbar (۱۳۹۹ SH) ۲۰۲۰ CE, “Makaleh Shenasi-ye Mowalefe-haye Modiran-e Enghelabi



- dar Sazman az Didgah-e Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari (Madzaleh-ul-A'la) (Identification of Revolutionary Managers' Components in an Organization from the Viewpoint of the Supreme Leader),” Cultural Management Journal, Year ۱۳, Number ۴۸, Summer.
۷. Fakhraei, Milad; Ahmadi, Keyumars; Ahmadi, Ali Akbar; Zandi, Farzad (۱۳۹۸ SH) ۲۰۱۹ CE, “Avamel-e Mojaddad-e Modiriyat-e Enghelabi dar Sazman az Didgah-e Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari (Madzaleh-ul-A'la) (Factors Encouraging Revolutionary Management in an Organization from the Viewpoint of the Supreme Leader),” Research Journal of Islamic Revolution, Year ۹, Number ۳۱, Summer.
 ۸. Haji Sadiqi, Abdullah (۱۳۹۰ SH) ۲۰۱۱ CE, “Falsafeh va Nezam-e Siyasi-e Eslam (Philosophy and Islamic Political System),” Qom: Zamzam Hedayat.
 ۹. Hosseinov, Safar Murad (۱۳۸۶ SH) ۲۰۰۷ CE, “Osul-e Modiriyat az Didgah-e Quran-e Karim (Management Principles from the Perspective of the Holy Quran),” Master's Thesis, Al-Mustafa International University, Faculty of Theology and Islamic Sciences.
 ۱۰. Khashaei, Vahid; Herandi, Ataollah (۱۳۹۳ SH) ۲۰۱۴ CE, “Maqaleh-ye Tabayin-e Aboad-e Hokomati Motaa'le-e Motenabbaei Montanei Bar Serat-e Hokumati Imam Ali (A.S.): Talfiq e Roykarde Ejthadi va Tahlil-e Muhtawa (The Article Elaborating the Dimensions of High Governance Based on Imam Ali's (AS) Governing Method: Synthesizing the Approach of Ijtihad and Content Analysis),” Pazhuhesh-haye Elm va Din Journal, Research on Humanities and Cultural Studies Journal, Year ۵, Number ۲, Fall and Winter, Pages ۸۵-۱۱۰.
 ۱۱. Khomeini, Ruhollah (۱۳۸۸ SH) ۲۰۰۹ CE, “Sharh-e Chehel Hadith (Commentary of Forty Hadith),” Tehran: Mo'assaseh-ye Tanzim va Nashr-e Asar-e Imam Khomeini (Foundation for the Compilation and Publicaiton of Imam Khomeini's Works).



۱۲. Khomeini, Ruhollah (۱۳۸۹ SH) ۲۰۱۰ CE, "Sahifeh Imam (Volume ۴)," Tehran: Mo'assese-ye Tanzim va Nashr-e Asar-e Imam Khomeini Foundation for the Compilation and Publicaiton of Imam Khomeini's Works).
۱۳. Khorsidi, Abbas (۱۳۸۸ SH) ۲۰۰۹ CE, "Modiriyat va Rahbari Amoozeshi (Educational Management and Leadership)," Yastaroon Publication, ۲nd Edition.
۱۴. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (۱۳۹۱ SH) ۲۰۱۲ CE, "Pishniaz-haye Modiriyat-e Eslami (Prerequisites of Islamic Management)," Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute, ۴th Edition.
۱۵. Mowahhid Abtahi, Seyyed Mohammad Taqi (۱۳۸۴ SH) ۲۰۰۵ CE, "Doramadi Bar Ravanshenasi-ye Modiriyat-e Eslami (Introduction to the Methodology of Islamic Management)," Winter, Seminary and University, Number ۴۵.
۱۶. Mozaheri, Alireza (۱۳۹۴ SH) ۲۰۱۵ CE, "Barresi-e Ab'ad-e Modiriyat-e Eslami dar Bayanat-e Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari (Madzaleh-ul-A'la) (Investigating the Dimensions of Islamic Management in the Statements of the Supreme Leader (May His Eminence Endure))," First International Conference on Economics, Management, Accounting, and Social Sciences.
۱۷. Nabavi, Mohammad Hassan (۱۳۷۳ SH) ۱۹۹۴ CE, "Modiriyat-e Eslami (Islamic Management)," Qom: Office of Islamic Preaching, Qom Seminary, ۱۱th Edition.
۱۸. Qasemi, Mohammad Ali; Larijani, Sadeq (۱۳۸۵ SH) ۲۰۰۶ CE, "Foqihan-e Imamia va Arseha-ye Velayat-e Faqih (Imamite Jurists and the Arenas of Guardianship of the Jurist)," Razavi Islamic Sciences University Publishing.
۱۹. Rajaei Poor, Lafti, Samira (۱۳۸۹ SH) ۲۰۱۰ CE, "Barresi Ravabete Farhang-e Sazmani ba Molahe-e Modiriyat bar Asas-e Arzeshaye



- Sazmani va Eraye Modeli baraye Pishbini Modiriyat bar Asas-e Arzeshah (Motalle'e Morde: Sazman-e Amoozesh va Parvarish Shahrestan Abadeh) (Examining the Organizational Culture Relationship with Organizational Management Components Based on Organizational Values and Presenting a Model for Predicting Management based on Values (Case Study: Education and Training Organization of Abadeh County)),” Rahyafti-e Noo dar Modiriyate Amoozeshi Quarterly, Year ۱, Number ۴, Winter ۱۳۸۹.
۲۰. Rezaeian, Ali (۱۳۸۷ SH) ۲۰۰۸ CE, “Mabani-ye Sazman va Modiriyat (Organization and Management Fundamentals),” Tehran: SAMT Publication, ۱۲th Edition.
۲۱. Savari, Mohammad Javad; Tavana, Hamid; Mohammad Javad (۱۳۹۹ SH) ۲۰۲۰ CE, “Vizhegi-haye Hokmraan-e Tazari Dovlat-e Eslami az Manzur-e Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari (Madzaleh-ul-A'la) (Characteristics of the Guardian of the Islamic Government from the Perspective of the Supreme Leader (May His Eminence Endure)),” ۲nd National Conference on Islamic Governance, Tehran.
۲۲. Taqavi Damghani, Seyyed Reza (۱۳۶۸ SH) ۱۹۸۹ CE, “Negahi bar Modiriyat-e Eslami (An Overview of Islamic Management),” Tehran: Sazman-e Tablighat-e Eslami, ۱st Edition.
۲۳. Towallai, Rouhollah (۱۳۸۶ SH) ۲۰۰۷ CE, “Olguy-e baraye Shenakht-e Modiriyat-e Eslami (A Model for Understanding Islamic Management),” Police Human Development Bimonthly, Year ۴, Number ۱۱, Khordad and Tir.
۲۴. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۲۷۶>
۲۵. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۲۴۳>.